

## مقایسه سبک‌های والدگری و خوداثرمندی والدینی مادران تک‌فرزند و چندفرزند گروه‌های سنی ۶-۱۲ ساله شهر بندرعباس\*

فاطمه آورند\*\*، امین رفیعی پور\*\*\*، کبری حاجی علیزاده\*\*\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۱۷

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۱/۲۷

### چکیده

تعداد فرزندان می‌تواند روی خانواده و والدین تأثیرگذار باشد. بنابراین این پژوهش با هدف مقایسه سبک‌های والدگری و خوداثرمندی والدینی مادران تک‌فرزند و چندفرزند گروه‌های سنی ۶-۱۲ ساله شهر بندرعباس انجام شد. روش پژوهش توصیفی و از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری شامل کلیه مادران دارای کودکان سنین ۶-۱۴ سال شهر بندرعباس در سال ۱۳۹۵ بودند که در دو گروه مادران تک‌فرزند و چندفرزند قرار گرفتند و ۹۰ نفر (هر گروه ۴۵ نفر) به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. ابزارهای به کار گرفته‌شده، پرسشنامه خوداثرمندی والدینی (PSEQ) و پرسشنامه فرزندپروری آلاباما (APQ) بود. برای تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری (مانوا) و نرم‌افزار SPSS استفاده شد. نتایج نشان داد که بین مادران تک‌فرزند و چندفرزند در سبک‌های والدگری تفاوت معناداری وجود ندارد ( $p > 0/05$ )؛ اما بین مادران تک‌فرزند و چندفرزند در خوداثرمندی والدینی تفاوت معناداری وجود دارد ( $F = 21/29$  و  $p > 0/05$ ) و مادران چندفرزند خوداثرمندی بالاتری دارند. با توجه به یافته‌های این پژوهش، به نظر می‌رسد افزایش تعداد فرزندان می‌تواند احساسی از شایستگی در فرایند فرزندپروری به والدین بدهد، اما تعداد فرزندان تأثیری بر سبک‌های والدگری ندارد.

واژگان کلیدی: سبک‌های والدگری، خوداثرمندی، تک‌فرزند، چندفرزند، مادر.

---

\* مقاله حاضر برگرفته‌شده از پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس است.  
\*\* کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس. fatemeh.avarand@gmail.com  
\*\*\* استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول). rafiepoor2000@yahoo.com  
\*\*\*\* استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس. h\_alizadeh@yahoo.com

## مقدمه

خانواده به عنوان اولین و شاید برترین مکانی شناخته می‌شود که می‌تواند تأثیر عمیقی بر روی شخصیت و رفتار کودکان داشته باشد (هاتچیسون، فدر، آبار و وینسلر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸). پدر و مادر شدن، واقع‌های جسمی، روانی و اجتماعی است که اساساً روش زندگی زوجها را دگرگون می‌سازد. وارد شدن فرزند به جمع خانواده بر نحوه زندگی زوج (مثلاً محل زندگی و منزل)، روابط زناشویی (نظیر تماس‌های جنسی) و تنش‌های پدران و مادران تأثیرگذار خواهد بود (حاجی غلامی و علاقبند، ۱۳۹۲). تصمیم‌گیری در مورد فرزندآوری و تعداد فرزندان، یکی از وقایع عمده زندگی زوجها است و می‌تواند متأثر از عوامل گوناگونی باشد (جهانگیری، احمدی، طبیعی و ملتفت، ۱۳۹۳). برخی از والدین چندان به داشتن فرزند راغب نیستند، برخی تنها به داشتن یک فرزند اکتفا کرده؛ درحالی‌که سایر والدین بیش از یک فرزند می‌خواهند. باین‌وجود تعداد فرزندان هم بر روی والدین و هم بر روی برادران و خواهران خود تأثیر می‌گذارد (ساطوریان، طهماسیان و احمدی، ۱۳۹۳). درواقع می‌توان بیان کرد که تک‌فرزندی و چندفرزندی می‌تواند هم تأثیرات مثبت و هم منفی داشته باشد (سردارپور، درخشانپور، صدر و یاسمی، ۱۳۸۲).

عمده پژوهش‌های انجام‌شده به تأثیر تک‌فرزندی و چندفرزندی بر روی کودکان پرداخته‌شده و کمتر به تأثیر آن بر روی والدین پرداخته‌شده است (وانگ و فن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵؛ لیسن و بلانتون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱؛ ساطوریان و همکاران، ۱۳۹۳). به نظر می‌رسد تعداد فرزندان می‌تواند بر روی نحوه رفتار یا ارتباط والدین با کودکان یا به عبارتی بر روی سبک والدگری<sup>۴</sup> آن‌ها تأثیرگذار باشد (علیدوستی؛ عنبری و بابایی، ۱۳۹۴). سبک‌های والدگری (فرزندپروری) مجموعه‌ای از بازخوردهای والدین هستند که در ارتباط با فرزندان اعمال می‌شوند (جانسن، دنیلز و نیکولسون<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲). این سبک‌ها الگوهایی از والدگری هستند که بر اساس اعمال معیارهای والدین نسبت به رفتارهای کودکان شکل می‌گیرد (کوپلن، هستینگز، لاگاس-سگین و مولتن<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲). سبک‌های والدگری، عمدتاً با کارهای بامریند<sup>۷</sup> (۱۹۹۱) شناخته می‌شود. بامریند (۱۹۹۱) سه سبک والدگری مستبدانه، مقتدرانه و

1. Hutchison, Feder, Abar & Winsler
2. Wang & Fan
3. Lisen & Blanton
4. parental style
5. Jansen, Daniels & Nicholson
6. Coplan, Hastings, Lagace-Seguin & Moulton
7. Baumrind

سهل‌گیرانه را ارائه کرده است. والدین مستبد معمولاً دارای تعامل سرد همراه با کنترل زیاد با فرزندان هستند، والدین مقتدر کنترل همراه با رابطه گرم و پاسخگویی به فرزندان را شیوه خود می‌دانند و والدین سهل‌گیر، از فرزندان خود انتظارات اندکی داشته و کنترل و پاسخگویی بسیار اندکی نسبت به آنان اعمال می‌کنند. در نتایج تحلیل عاملی موریس، میسترز و براکل<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) دو بعد اساسی برای رفتارهای والدگری والدین شناسایی شده است. بعد اول را می‌توان به‌عنوان مراقبت توصیف نمود که اشاره به رفتارهای مرتبط با پذیرش، محبت و در جهت مخالف، اشاره به طرد و انتقاد دارد. بعد دوم کنترل نامیده می‌شود که اشاره به کنترل والدینی، حمایت بیش‌ازحد و در جهت مخالف، اشاره به پرورش خودمختاری در کودک دارد. پژوهش‌های انجام‌شده حاکی از تأثیر سبک‌های والدگری بر روی کودکان است (قنبری، نادعلی، سیدموسوی، ۱۳۸۸؛ عباسی، عسگری و مهربانی، ۱۳۹۴). در نقطه مقابل، پژوهش صباغی‌فر (۱۳۹۴) و فرنودیان، اسدزاده و قوام (۱۳۹۲) نشان دادند که تعداد فرزندان می‌تواند بر نوع والدگری پدر و مادر تأثیرگذار باشد. در خانواده‌های تک‌فرزند، والدین عمدتاً اقتدارگراتر، مستبدر و سهل‌گیرتر هستند (فرنودیان و همکاران، ۱۳۹۲).

علاوه بر سبک‌های والدگری، این احتمال مطرح است که تعداد فرزندان و کنش و واکنش‌های موجود با آنان بتواند بر روی ادراک والدین از توان و اثرمندی خودشان تأثیرگذار باشد. خوداثرمندی<sup>۲</sup> که توسط بندورا<sup>۳</sup> (۱۹۹۹) مطرح شد به معنای باور فرد در مورد توانایی مقابله خود در موقعیت‌های خاص است و الگوهای فکری، رفتاری و هیجانی را در سطوح مختلف تجربه انسانی تحت تأثیر قرار می‌دهد. خوداثرمندی می‌تواند بر اساس نقش والدینی بررسی شود (طهماسیان، اناری و فتح‌آبادی، ۱۳۸۹). باور خوداثرمندی والدینی<sup>۴</sup> به معنای حس‌آگاهی و توانایی والدین جهت بجا آوردن یا انجام دادن وظایف و نقش‌های روزمره والدینی است (دسجاردین<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶). خوداثرمندی والدینی همچنین اشاره به باورها یا قضاوت‌های یک والد از توانمندی‌هایش جهت نظم‌دهی و اجرای یکسری از تکالیف مربوط به والدگری با کودک دارد (مونتینی و لاکاریته<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵). در این زمینه، پژوهشی یافت نشد تا به بررسی و مقایسه تعداد فرزندان با ادراک خوداثرمندی والدین

1. Muris, Meesters & VanBrakel
2. self-efficacy
3. Bandura
4. parental self-efficacy
5. DesJardin
6. Montigny & Lacharité

پرداخته باشد. عوامل مختلفی همچون سطح تنیدگی والدین، مشکلات رفتاری کودک و عزت نفس آنان می‌تواند بر روی خوداثرمندی والدین تأثیرگذار باشد. والدینی که از خوداثرمندی بالایی برخوردارند حمایتگر، گرم و حساس توصیف می‌شوند و می‌توانند راهبرهای مقابله‌ای مؤثر و فعالی در موقعیت‌های استرس‌زا نشان دهند (طهماسیان و همکاران، ۱۳۸۹). مونیرو و روسکام<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) نشان دادند خوداثرمندی والدین منجر به حمایت و عاطفه مثبت در والدین و همچنین کاهش استرس والدینی در آنان می‌شود. کولمن و کاراکر<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) نشان دادند بین خوداثرمندی والدینی بالا با سازگاری کودک رابطه معناداری وجود داد. خوداثرمندی والدین پیش‌بینی کننده اطاعت و پذیرش کودک، شوق و اشتیاق، عاطفه، منفی‌نگری و اجتناب کودک است. در پژوهشی که توسط وحدتی (۱۳۹۴) و بر روی خوداثرمندی فرزندان انجام شده بود، نتایج به دست آمده نشان داد که بین باور خوداثرمندی در دانش‌آموزان تک‌فرزند و چندفرزند تفاوت معناداری وجود ندارد.

با توجه به آنچه ذکر گردید، سبک‌های والدگری و خوداثرمندی آنان می‌تواند هم بر روی والدین و هم بر روی فرزندان تأثیرگذار باشد. عوامل گوناگونی در سبک‌های والدگری و خوداثرمندی والدین نقش دارند؛ اما به علت عدم وجود پژوهش‌های کافی و روشن نبودن اینکه آیا تعداد فرزندان می‌تواند روی متغیرهای حوزه والدگری همچون خوداثرمندی و سبک‌های والدگری تأثیرگذار باشد یا خیر، به نظر می‌رسد بررسی این موضوع می‌تواند حائز اهمیت باشد. در بعد کاربردی نیز نتایج چنین پژوهش‌هایی می‌تواند آثار و تبعات مثبت و منفی تک‌فرزند یا چندفرزندی را هم برای خانواده‌ها و هم برای مسئولان و برنامه‌ریزان جامعه روشن نماید. به طوری که با گسترش تک‌فرزندی در آینده‌ای نه‌چندان دور شاهد جامعه‌ای سالخورده خواهیم بود که در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری را به جامعه وارد کند. از این‌رو، با توجه به مطالب عنوان شده فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر است:

۱. بین خوداثرمندی والدینی مادران تک‌فرزند و چندفرزند گروه‌های سنی ۶-۱۲ ساله

شهر بندرعباس تفاوت وجود دارد

۲. بین سبک‌های والدگری مادران تک‌فرزند و چندفرزند گروه‌های سنی ۶-۱۲ ساله

شهر بندرعباس تفاوت وجود دارد.

## پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه مادران دارای کودکان سنین ۱۲-۶ سال شهر بندرعباس در سال ۱۳۹۵ بودند که در دو گروه مادران تک‌فرزند و چندفرزند (بیش از یک فرزند) قرار گرفتند. در پژوهش‌های علی-مقایسه‌ای حجم هر گروه می‌تواند حداقل ۳۰ نفر باشد (دلاور، ۱۳۹۵)؛ از این‌رو، از میان جامعه آماری و به‌منظور بالا بردن اعتبار پژوهش، تعداد ۹۰ نفر از مادران تک‌فرزند و چندفرزند (۴۵ مادر تک‌فرزند و ۴۵ مادر چندفرزند) با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی، انتخاب شدند؛ به این صورت که پس از تصویب موضوع و اخذ مجوزهای لازم، با مراجعه به چند مورد از مدارس شهر بندرعباس و با همکاری مسئولان و رعایت جوانب اخلاقی، مادران تک‌فرزند و چندفرزند بر اساس ملاک‌های ورود انتخاب شدند و به ابزارهای پژوهش پاسخ دادند. معیارهای ورود برای پژوهش حاضر شامل داشتن فرزند بین ۶ تا ۱۲ سال، سکونت در شهر بندرعباس، برخورداری نبودن از اختلالات روانی و رضایت و تعهد کامل مبنی بر پاسخ دادن به ابزارهای پژوهش بود. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های زیر استفاده شد:

پرسشنامه خوداثرمندی والدینی (PSEQ)<sup>۱</sup>: این پرسشنامه در سال ۱۹۹۶ توسط دومکا، استورزینگر، جکسون و روسا<sup>۲</sup> برای ارزیابی سطوح کلی خوداثرمندی والدینی ساخته شده است. این آزمون کارایی و ناامیدی والدین را هنگام مواجهه با موقعیت‌های کودک، توانایی حل تعارضات والد-کودک و تلاش و مقاومتشان را در والدگری ارزیابی می‌کند. این آزمون از ۱۰ ماده تشکیل شده و نمره‌گذاری آن به‌صورت لیکرتی ۷ درجه از به‌ندرت تا همیشه انجام می‌شود که نمره‌های بالاتر نشان از خوداثرمندی بالای والدین است. دومکا و همکاران ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را ۰/۷۰ گزارش کرده‌اند. در پژوهش طالعی، طهماسیان و وفایی (۱۳۹۰) بعد از تأیید روایی محتوایی مقیاس توسط ۳ نفر از اساتید، میزان ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۰ گزارش شده است. در پژوهش حاضر میزان ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۸۰ به دست آمد.

پرسشنامه فرزندپروری آلاباما<sup>۳</sup> (APQ): این پرسشنامه توسط فرایک<sup>۴</sup> (۱۹۹۱) ساخته شد. این پرسشنامه، آزمونی ۴۲ سؤالی است و در دو فرم والد و کودک قرار دارد که در این

1. Parental Self-Efficacy Questionnaire
2. Dumka, Stoerzinger, Jackson & Roosa
3. Alabama Parenting Questionnaire
4. Frick

پژوهش از فرم والد استفاده شد. این پرسشنامه پنج حوزه والدگری را اندازه‌گیری می‌کند. این پنج حوزه عبارت‌اند از: تنبیه بدنی، نظم و انضباط ناپایدار، نظارت ضعیف، درگیری و فرزندپروری مثبت. این مقیاس بر اساس مقیاس لیکرتی از هرگز (۱) تا همیشه (۵) تهیه شده که آزمودنی یا مشارکت‌کننده باید متناسب با رفتار خود یکی از آن‌ها را علامت‌گذاری کند. همسانی درونی برای این مقیاس توسط شلتون، فریک و ووتون<sup>۱</sup> (۱۹۹۶) بین دامنه ۰/۴۶ تا ۰/۸۰ گزارش شده است. همین‌طور پایایی از طریق آزمون-پس آزمون در فاصله زمانی ۳ سال ۰/۶۵ گزارش شده است (مک ماهون، ماتسون و اسپیکر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷). در پژوهش عسگریور، میگوئی و تقی‌لو (۱۳۹۴) بعد از تأیید روایی محتوایی، میزان ضریب آلفای کرونباخ برای تنبیه بدنی، نظم و انضباط ناپایدار، نظارت ضعیف، درگیری و فرزندپروری مثبت را به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۸۲، ۰/۷۸، ۰/۷۱ و ۰/۷۴ گزارش کردند. در پژوهش حاضر میزان ضریب آلفای کرونباخ کل این پرسشنامه ۰/۶۲ و برای خرده مقیاس‌های آن بین ۰/۵۳ تا ۰/۷۹ به دست آمد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از شاخص توصیفی میانگین و انحراف استاندارد و در سطح استنباطی از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA) استفاده شد. همچنین داده‌ها توسط نرم‌افزار SPSS ۲۲ تحلیل شدند.

### یافته‌های پژوهش

در این بخش به بررسی نتایج شاخص‌های توصیفی و استنباطی متغیرهای پژوهش پرداخته می‌شود که نتایج آن به شرح زیر است:

جدول ۱: وضعیت توصیفی سبک‌های والدگری و خودآزمندی به تفکیک مادران تک‌فرزند و چندفرزند

متغیر	گروه	تعداد	حداقل نمره	حداکثر نمره	میانگین	انحراف معیار
فرزندپروری مثبت	تک‌فرزند	۴۵	۱۲	۳۰	۲۴/۴۴	۴/۰۳
	چندفرزند	۴۵	۱۲	۳۰	۲۵/۶۶	۳/۴۱
نظارت ضعیف	تک‌فرزند	۴۵	۱۰	۲۹	۲۰/۱۳	۵/۲۲
	چندفرزند	۴۵	۱۰	۳۷	۲۰/۴۶	۶/۱۲
نظم و انضباط ناپایدار	تک‌فرزند	۴۵	۱۱	۲۶	۱۶/۶	۳/۱۲
	چندفرزند	۴۵	۹	۲۳	۱۶/۹۳	۳/۲۴

1. Shelton, Frick & Wootton
2. McMahan, Munson & Spieker

۱/۹۲	۵/۸۸	۱۰	۳	۴۵	تک‌فرزند	تنبیه بدنی
۲/۳۰	۵/۸۴	۱۱	۳	۴۵	چندفرزند	
۶/۱۴	۳۹/۷۵	۵۰	۲۳	۴۵	تک‌فرزند	درگیری
۴/۴۶	۳۹/۴۴	۵۰	۳۰	۴۵	چندفرزند	
۱۰/۸۷	۴۲/۵۱	۶۷	۲۶	۴۵	تک‌فرزند	خوداثرمندی
۱۰/۲۶	۵۲/۸	۶۷	۲۷	۴۵	چندفرزند	

طبق یافته‌های جدول مربوط به سبک‌های والدگری به تفکیک مادران تک‌فرزند و چندفرزند، میانگین زیرمقیاس فرزندپروری مثبت در مادران تک‌فرزند ۲۴/۴۴ و میانگین فرزندپروری مثبت در مادران چندفرزند ۲۵/۶۶، میانگین نظارت ضعیف در مادران تک‌فرزند ۲۰/۱۳ در مادران چندفرزند ۲۰/۴۶، میانگین نظم و انضباط ناپایدار در مادران تک‌فرزند ۱۶/۶ و در مادران چندفرزند ۱۶/۹۳، میانگین تنبیه بدنی در مادران تک‌فرزند ۵/۸۸ و در مادران چندفرزند ۵/۸۴، میانگین درگیری در مادران تک‌فرزند ۳۹/۷۵ و در مادران چندفرزند ۳۹/۴۴ است. طبق یافته‌های جدول مربوط به خوداثرمندی به تفکیک مادران تک‌فرزند و چندفرزند، میانگین خوداثرمندی مادران تک‌فرزند ۴۲/۵۱ و میانگین مادران چندفرزندی ۵۲/۸ است.

جدول ۲: نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری در مورد مقایسه‌ی سبک‌های والدگری و خوداثرمندی در مادران تک‌فرزند و چندفرزند

آزمون	ارزش	F	Df فرضیه	Df خطا	سطح معناداری
اثر پیلاپی	۰/۱۹۵	۱۰/۵۲	۶	۸۷	۰/۰۰۱
لامبدای ویلکز	۰/۸۰۵	۱۰/۵۲	۶	۸۷	۰/۰۰۱
اثر هتلینگ	۰/۲۴۲	۱۰/۵۲	۶	۸۷	۰/۰۰۱
بزرگ‌ترین ریشه روی	۰/۲۴۲	۱۰/۵۲	۶	۸۷	۰/۰۰۱

یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که بین دو گروه مادران تک‌فرزند و چندفرزند در یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معناداری وجود دارد. برای بررسی این تفاوت از روش آماری تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده شده که نتایج آن به شرح زیر است:

جدول ۳: نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری جهت بررسی تأثیر عضویت گروهی بر متغیرهای پژوهش

متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
فرزندپروری مثبت	۳۳/۶۱	۱	۳۳/۶۱	۲/۴	۰/۱۲
نظم و انضباط ناپایدار	۲/۵	۱	۲/۵	۰/۰۷۷	۰/۷۸
نظارت ضعیف	۲/۵	۱	۲/۵	۰/۲۴	۰/۶۲
تنبیه بدنی	۰/۰۴۴	۱	۰/۰۴۴	۰/۰۰۱	۰/۹۲
درگیری	۲/۱۷	۱	۲/۱۷	۰/۰۷۵	۰/۷۸
خوداثرمندی	۲۳۸۱/۸۷	۱	۲۳۸۱/۸۷	۲۱/۲۹	۰/۰۱

جدول فوق نتایج بررسی تفاوت متغیرهای فرزندپروری مثبت، نظم و انضباط ناپایدار، نظارت ضعیف، تنبیه بدنی، درگیری و متغیر خوداثرمندی والدینی را در دو گروه مادران تک‌فرزند و چندفرزند نشان می‌دهد. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده بین نمرات فرزندپروری مثبت ( $F=2/4$  و  $p < 0/05$ )، نظم و انضباط ناپایدار ( $F=0/077$  و  $p < 0/05$ ) و نظارت ضعیف ( $F=0/24$  و  $p < 0/05$ )، تنبیه بدنی ( $F=0/001$  و  $p < 0/05$ )، درگیری ( $F=0/075$ ) و خوداثرمندی والدینی ( $F=21/29$  و  $p < 0/05$ ) بین مادران تک‌فرزند و چندفرزند تفاوت معناداری وجود ندارد و تنها در خوداثرمندی والدینی ( $F=21/29$  و  $p > 0/05$ ) بین مادران تک‌فرزند و چندفرزند تفاوت معناداری وجود دارد. از این رو فرضیه پژوهش در مورد سبک‌های والدگری تأیید نمی‌شود اما در مورد خوداثرمندی والدینی تأیید می‌شود و نتیجه گرفته می‌شود که مادران چندفرزند دارای ادراک خوداثرمندی بالاتری نسبت به مادران تک‌فرزند هستند.

### بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش باهدف مقایسه خوداثرمندی والدینی و سبک‌های والدگری مادران تک‌فرزند و چندفرزند گروه‌های سنی ۶-۱۲ ساله شهر بندرعباس انجام شد. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده بین مادران تک‌فرزند و چندفرزند در سبک‌های والدگری تنبیه بدنی، نظم و انضباط ناپایدار، نظارت ضعیف، درگیری و فرزندپروری مثبت تفاوت معناداری وجود نداشت. با این وجود میانگین مادران تک‌فرزند در شیوه‌های والدگری درگیری و تنبیه بدنی بیشتر از مادران چندفرزند بود و در شیوه‌های فرزندپروری مثبت، نظم و انضباط ناپایدار و نظارت ضعیف مادران چندفرزند میانگین بیشتری نسبت به مادران تک‌فرزند داشتند. در پژوهشی



که علی‌دوستی و همکاران (۱۳۹۴) بر روی مادران کودکان ۵ تا ۷ سال شهر اندیمشک انجام دادند به این نتیجه رسیدند که بین مادران تک‌فرزند و چندفرزند تفاوت معناداری وجود داشت و در خانواده‌های چندفرزند میانگین شیوه‌های مقتدرانه و استبدادی بیشتر از خانواده‌های تک‌فرزند بود. فرنودیان و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود نشان دادند که بین شیوه‌های والدگری خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند تفاوت معناداری وجود دارد و خانواده‌های تک‌فرزند میانگین بالاتری در همه شیوه‌های والدگری دارند. همچنین صبافی‌فر (۱۳۹۴) در پژوهشی که بر روی ۳۸۴ مادر تک‌فرزند و چندفرزند شهر اصفهان انجام داد به این نتیجه رسید که در سبک‌های والدگری مادران تک‌فرزند و چندفرزند تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش‌های مطرح‌شده همسو با نتایج این پژوهش نبود. در تبیین عدم همسو بودن این نتایج می‌توان به نوع ابزار اندازه‌گیری، ویژگی‌های نمونه‌ها و سایر متغیرهای مزاحم اشاره نمود. اگر از دیدگاه رویکردهای گذشته‌نگر مانند روان‌کاوی و یادگیری به سبک‌های والدگری نگاه کنیم، سبک‌های والدگری به‌نوعی نشأت گرفته از دوران کودکی و برگرفته از نوع رفتار پدر و مادر است که این سبک‌ها یاد گرفته می‌شود و در زندگی آینده وقتی فرد نقش والد را می‌پذیرد مجدداً تکرار می‌شوند. این رویکردها بر این نکته تأکید دارند که افراد در واقع تکرارکننده الگوهای فرزندپروری والدین خود را به نمایش می‌گذارند به نظر می‌رسد که سبک‌های والدگری بیشتر وابسته به باورها و نوع شناخت والدین باشد و کمتر از تعداد فرزندان تأثیر بپذیرد. همچنین اگر از دیدگاه یادگیری اجتماعی (بندورا، ۲۰۰۱) تبیین کنیم، می‌توان گفت که فرد در دوران کودکی سبک فرزندپروری والدین خود را یاد می‌گیرد و همان سبک را بر روی فرزندان خود اعمال می‌کند. از این‌رو به نظر می‌رسد سبک‌های والدگری کمتر تحت تأثیر تعداد فرزندان باشد.

در مقایسه ادراک خودآثرمندی والدینی در بین مادران تک‌فرزند و چندفرزند، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که تفاوت معناداری در ادراک خودآثرمندی والدینی وجود دارد و خودآثرمندی والدینی مادران چندفرزند بیشتر از مادران تک‌فرزند است. در این زمینه پژوهشی یافت نشد که این رابطه را مورد پژوهش قرار داده باشد و پژوهش‌های انجام‌شده به بررسی رابطه خودآثرمندی والدینی با سایر متغیرها پرداخته‌اند (مونیر و روسکام، ۲۰۰۹؛ طهماسیان و همکاران، ۱۳۸۹). در بررسی اینکه چرا مادران چندفرزند ادراک بیشتری از خودآثرمندی والدینی دارند می‌توان به دیدگاه تکاملی و نظریه انتخاب جنسی اشاره کرد. از دیدگاه تکاملی باروری یا فرزندآوری نیاز و انگیزه ذاتی موجودات و به ویژه انسان است. انسان به دنبال شریک جنسی مناسب برای انتقال و گسترش ژن‌های خود است. از این

دیدگاه زنانی که بتوانند فرزندان بیشتری داشته باشند تا از گسترش ژن‌های خود مطمئن شوند به نظر می‌رسد در مورد والدگری خود کفایت بیشتری را ادراک کنند (بأس و اسمیت<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳؛ رویل، اسمتس و کولایکر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲). جهانگیری و همکاران (۱۳۹۳) در بررسی چالش‌های فرزندآوری زنان به این نتیجه رسیدند که زنان به علت عدم حمایت کافی، نداشتن زمان کافی به علت اشتغال، مشکلات مالی و مسکن، فضای اجتماعی مخاطره‌آمیز و هزینه فرزندآوری، راهبرد تک‌فرزندی را انتخاب می‌کنند. به نظر می‌رسد این انتخاب خیلی تقویت‌کننده میل به بارآوری و گسترش ژن نظریه انتخاب جنسی و تکامل نباشد. همچنین در گروه‌ها و قومیت‌هایی که به بارآوری زن به‌عنوان ارزش زن نگاه می‌کنند، به نظر چندفرزند داشتن نقش برجسته‌ای در شایستگی والدینی بازی کند. از این‌رو مادرانی که چندفرزند دارد به دلیل سازوکارهای ذاتی و اجتماعی، خوداثرمندی والدینی بیشتری را ادراک می‌کنند. همچنین می‌توان اینگونه تبیین کرد که به نظر می‌رسد والدین هنگامی که تنها یک فرزند دارند از تجربه والدگری کمتری برخوردارند، حال وقتی تعداد فرزندان بیشتر شود آنان تجربه بیشتری را در زمینه فرزندپروری خواهند داشت و به واسطه تجربه‌ای که از فرزند اول و فرزندان دیگر کسب می‌کنند، بهتر می‌توانند به ترتیب فرزندان بعدی را مطابق با انتظارات و اهداف خود پرورش دهند و این‌گونه می‌توان استنباط کرد که با برآورده شدن انتظارات و اهداف والدینی، احتمالاً احساس خوداثرمندی بیشتری را تجربه کنند که ممکن است این حالت در والدین تک‌فرزند کمتر رخ دهد.

به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که در سبک‌های والدگری مادران تک‌فرزند و چندفرزند تفاوت معناداری وجود ندارد؛ اما در ادراک خوداثرمندی والدگری در بین مادران تک‌فرزند و چندفرزند تفاوت معناداری وجود دارد. از این‌رو پیشنهاد می‌شود که سازمان بهزیستی، معاونت زنان و خانواده و متخصصان حوزه خانواده با آگاهی از نتایج پژوهش سعی در آموزش تأثیرات تک‌فرزندی و چندفرزندی بر روی ادراک خوداثرمندی پدران و مادران داشته باشند. همچنین نتایج پژوهش حاضر می‌تواند از طریق سازمان‌های مرتبط با جمعیت و تنظیم خانواده مشوقی برای فرزندآوری بیشتر باشد.

این پژوهش چون سایر پژوهش‌ها دارای محدودیت و مشکلاتی است؛ از آنجایی که تنها از پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده و همچنین سوگیری‌های موجود در پاسخ به پرسشنامه، تعداد کم نمونه و عدم کنترل کردن متغیرهایی که به‌نوعی می‌توانند

1. Buss & Schmitt  
2. Royle, Smiseth & Kölliker

نتایج را مخدوش کنند؛ باید در تعمیم نتایج احتیاط لازم را به عمل آورد. بنابراین از آنجایی که کمتر روی تأثیر فرزندان بر والدین پژوهش شده است، پیشنهاد می‌شود با کنترل متغیرهای مخدوش‌کننده، علاوه بر تعداد فرزندان به بررسی سایر عوامل مرتبط با فرزندان بر متغیرهای حوزه والدگری پرداخته شود. همچنین پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران از طریق مطالعات کیفی به بررسی و شناخت چگونگی سازوکار تأثیر چندفرزندی بر احساس خوداثرمندی والدینی بپردازند.

### تشکر و قدردانی

در پایان پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند از کلیه مادران شرکت‌کننده در پژوهش، مسئولین محترم مدارس شهر بندرعباس و سایر اساتید و دوستانی که یاریگر ما در این پژوهش بوده‌اند صمیمانه تشکر و قدردانی نمایند.

## منابع

- جهانگیری، جهانگیر؛ احمدی، حبیب؛ طبیعی، منصور و ملتفت، حسین (۱۳۹۳). **برساخت فهم زنان تک‌فرزند از چالش‌های فرزندآوری (مشارکت‌کنندگان: زنان تک‌فرزند شهر اهواز)**. فصلنامه توسعه اجتماعی، ۹(۱): ۸۵-۱۱۰.
- حاجی غلامی یزدی، عهدیه و علاقیند، مریم (۱۳۹۲). **تأثیر آموزش مهارت‌های فرزندپروری بر نگرانی، اضطراب و باورهای خودکارآمد والدین**. مجله دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ۲۱(۲): ۱۴۷-۱۳۶.
- دلاور، علی (۱۳۹۵). **مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی**. چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات رشد.
- ساطوریان، سیدعباس؛ طهماسیان، کارینه و احمدی، محمدرضا (۱۳۹۳). **مقایسه مشکلات رفتاری کودکان در خانواده‌های تک‌فرزند و دو فرزند**. روان‌شناسی و دین، ۷(۳): ۸۰-۶۵.
- سردارپور گودرزی، شاهرخ؛ درخشانیپور، فیروزه؛ صدر، سید سعید و یاسمی، محمدتقی (۱۳۸۲). **اختلال‌های رفتاری در کودکان خانواده‌های تک‌فرزند و چند فرزند شهر تهران**. اندیشه و رفتار، ۹(۱): ۲۶-۲۰.
- صباغی‌فر، رؤیا (۱۳۹۴). **مقایسه شیوه‌های فرزندپروری، کمال‌گرایی و اضطراب مادران دانش‌آموزان دبیرستانی خانواده‌های تک‌فرزند و چند فرزند شهر اصفهان**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد.
- فرنودیان، پریسا؛ اسدزاده، حسن و ابراهیمی قوام، صغری (۱۳۹۲). **رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین با کمال‌گرایی و خودتنظیمی و مقایسه آن در دانش‌آموزان خانواده‌های تک‌فرزند و چند فرزند**. علوم رفتاری، ۵(۱۶): ۱۲۰-۹۹.
- قنبری، سعید؛ نادعلی، حسین و سیدموسوی، پریسا سادات (۱۳۸۸). **رابطه سبک‌های فرزندپروری با نشانه‌های درونی‌سازه شده در کودکان**. مجله علوم رفتاری، ۳(۲): ۱۶۷-۱۷۲.

- طالعی، علی؛ طهماسیان، کارینه و وفائی، نرگس (۱۳۹۰). *اثر بخشی آموزش برنامه فرزندپروری مثبت بر خودآثرمندی والدینی مادران*. خانواده پژوهی، ۷(۳): ۳۱۱-۳۲۳.
- طهماسیان، کارینه؛ اناری، آسیه و فتح‌آبادی، محبوبه (۱۳۸۹). *عوامل مؤثر در خودآثرمندی والدینی مادران کودکان ۶-۲ ساله*. خانواده پژوهی، ۶(۲۴): ۴۸۳-۴۹۵.
- عباسی، سمیرا؛ عسگری، زهره و مهربابی، طیبه (۱۳۹۴). *بررسی ارتباط سبک فرزندپروری زنان شاغل در مراکز درمانی با اضطراب، گوشه‌گیری و پرخاشگری کودکان پیش‌دبستانی*. پژوهش پرستاری، ۱۱(۲): ۶۳-۷۱.
- عسگریپور، فاطمه؛ میگوئی، احمدکربلایی محمد و تقی‌لو، صادق (۱۳۹۴). *نقش واسطه‌ای آسیب کودکی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و تنظیم شناختی انطباقی هیجان در کودکان کار*. فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، ۹(۱): ۱۰۳-۱۲۱.
- علیدوستی، معصومه؛ عنبری، زینب و علی‌بابایی، سمیه (۱۳۹۴). *مقایسه شیوه فرزندپروری در خانواده‌های تک‌فرزند و چند فرزند و میزان مطابقت آن با آموزه‌های دینی*. اولین کنفرانس بین‌المللی علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی. اولین کنفرانس بین‌المللی علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، شیراز، موسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی شیراز.
- وحدتی، فائقه (۱۳۹۴). *مقایسه پرخاشگری و خودکارآمدی و خودتنظیمی دانش آموزان دختر خانواده‌های تک‌فرزند با خانواده‌های چند فرزند*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- Bandura, A. (1999). *Social cognitive theory of personality*. Handbook of personality: Theory and research, 154-196.
- Bandura, A. (2001). *Social cognitive theory: An agentic perspective*. Annual review of psychology, 52(1), 1-26.
- Baumrind, D. (1991). *The influence of parenting style on adolescent competence and substance use*. Journal of Early Adolescence, 11, 56-95.
- Buss, D. M., & Schmitt, D. P. (1993). *Sexual strategies theory: an evolutionary perspective on human mating*. Psychological review, 100(2), 204.

- Coleman, P. K., & Karraker, K. H. (2003). *Maternal self-efficacy beliefs, competence in parenting, and toddlers' behavior and developmental status*. *Infant Mental Health Journal*, 24(2), 126-148.
- Coplan, R. J., Hastings, P. D., Lagacé-Séguin, D. G., & Moulton, C. E. (2002). *Authoritative and authoritarian mothers' parenting goals, attributions, and emotions across different childrearing contexts*. *Parenting*, 2(1), 1-26.
- DesJardin, J. L. (2006). *Family empowerment: Supporting language development in young children who are deaf or hard of hearing*. *The Volta Review*, 106(3), 275-98.
- Dumka, L. E., Stoerzinger, H. D., Jackson, K. M., & Roosa, M. W. (1996). *Examination of the cross-cultural and cross-language equivalence of the parenting self-agency measure*. *Family Relations*, 216-222.
- Frick, P. J. (1991). *Alabama parenting questionnaire*. *Communication Studies*, 48: 59-75.
- Hutchison, L., Feder, M., Abar, B., & Winsler, A. (2016). *Relations between parenting stress, parenting style, and child executive functioning for children with ADHD or autism*. *Journal of Child and Family Studies*, 25(12), 3644-3656.
- Jansen, E., Daniels, L. A., & Nicholson, J. M. (2012). *The dynamics of parenting and early feeding—constructs and controversies: a viewpoint*. *Early Child Development and Care*, 182(8), 967-981.
- Lisen, C. R., & Blanton, P. W. (2001). *Experience of only children*. *Journal of Individual Psychology*, 57 (2): 725-740.
- McMahon, R. J., Munson, J. A., & Spieker, S. J. (1997). *The Alabama Parenting Questionnaire: Reliability and validity in a high-risk longitudinal sample*. In meeting of the Association for the Advancement of Behavior Therapy, Miami, Florida.
- Meunier, J. C., & Roskam, I. (2009). *Self-efficacy beliefs amongst parents of young children: Validation of a self-report measure*. *Journal of Child and Family Studies*, 18(5), 495-511.
- Montigny, F., & Lacharité, C. (2005). *Perceived parental efficacy: Concept analysis*. *Journal of advanced nursing*, 49(4), 387-396.
- Muris, P., Meesters, C., & van Brakel, A. (2003). *Assessment of anxious rearing behaviors with a modified version of "Egna Minnen Beträffande Uppfostran" questionnaire for children*. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 25(4), 229-237.
- Royle, N. J., Smiseth, P. T., & Kölliker, M. (2012). *The evolution of parental care*. *Oxford University Press*.
- Shelton, K. K., Frick, P. J., & Wootton, J. (1996). *Assessment of parenting practices in families of elementary school-age children*. *Journal of clinical child psychology*, 25(3), 317-329.
- Wan, C., Fan, C., Lin, G., & Jing, Q. (1994). *Comparison of personality traits of only and sibling school children in Beijing*. *The Journal of genetic psychology*, 155(4), 377-388.